

Predigtlesung

Römer 12,17-21

- 17 به هیچ کس به عوض بدی، بدی نکنید. مواظب باشید که تمام کارهای شما در پیش مردم نیکو باشد.
- 18 حتی الامکان تا آنجا که مربوط به شماست با همه مردم در صلح و صفا زندگی کنید.
- 19 ای دوستان عزیز، به هیچ وجه انتقام خود را نگیرید، بلکه آن را به مکافات الهی واگذار کنید، زیرا کتاب مقدس می فرماید: خداوند می گوید: «من مجازات می کنم و من جزا خواهم داد.»
- 20 بلکه اگر دشمن تو گرسنه است او را سیر کن و اگر تشنه است به او آب بده؛ زیرا این کار تو او را شرمنده می سازد.»
- 21 مغلوب بدی نشوید، بلکه بدی را با خوبی مغلوب سازید.

4. Sonntag nach Trinitatis

Einer trage des andern Last, so werdet ihr das Gesetz Christi erfüllen.
بارهای یکدیگر را حمل کنید و به این طریق قانون مسیح را بجا خواهید آورد.
Galater 6,2

Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 049 (Seite 155)

خداوند عادل است و نیکوکاران را دوست می دارد و درستکاران در پیشگاه او خواهند زیست.

خداوند، با تمامی دل تو را شکر می کنم و کارهای عالی تو را به همه خواهم گفت.

در تو خوشحال و شادمان خواهم بود و نام تو را ای متعال، خواهم سراپید.

تو مرا با امانت و انصاف داوری کرده ای و عادلانه بر جایگاه داوری نشسته ای.

اما خداوند همیشه پادشاه است، او تخت خود را برای داوری برقرار نموده است.

او جهان را با عدالت و امانت را با انصاف داوری می نماید.

خدا پدر و پسر و روح القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Der HERR ist gerecht und / liebt Gerechtigkeit. * Die Frommen werden schauen / in sein Angesicht.

Ich danke dem HERRN von / ganzem Herzen * und erzähle alle / deine Wunder.

Ich freue mich und bin / fröhlich in dir * und lobe deinen Namen, du / Allerhöchster.

Denn du führst mein Recht und / meine Sache, * du sitztest auf dem Thron, ein / rechter Richter.

Der HERR / bleibt ewiglich; * er hat seinen Thron bereitet / zum Gerichte,

er wird den Erdkreis richten / mit Gerechtigkeit * und die Völker regieren, / wie es recht ist.

Ehre sei dem Vater / und dem Sohne * und dem Hei- / ligen Geiste,

wie es war im Anfang, / jetzt und immerdar * und von Ewigkeit zu Ewigkeit. Amen.

Lesung aus dem Alten Testament

1. Mose 50,15-21

15 برادران یوسف، بعد از مرگ پدرشان گفتند: «مبادا یوسف هنوز نسبت به ما کینه داشته باشد و بخواهد به خاطر بدبهایی که به او کرده‌ایم، ما را به مکافات کارهای خودمان برساند!»

16 پس برای یوسف پیام فرستادند که: «پدرمان قبل از اینکه بمیرد،

17 به ما گفت: 'از تو خواهش کنیم که گناه برادرانت را ببخشی، زیرا آنها با تو بد رفتاری کردند.' حالا از تو تقاضا می‌کنیم، خطایی را که ما غلامان خدای پدرت به تو کرده‌ایم ببخشی.» یوسف وقتی این پیام را شنید، گریه کرد.

18 سپس برادران او خودشان آمدند و در مقابل یوسف تعظیم کردند و گفتند: «ما اینجا مانند غلامان تو، در برابر تو هستیم.»

19 ولی یوسف به آنها گفت: «تترسید. من نمی‌توانم خودم را جای خدا بگذارم.

20 شما برای من نقشی بد کشیدید ولی خدا، آن را خیریت گردانید تا چنانکه امروز می‌بینید، جان عده زیادی را حفظ کند.

21 دیگر دلیلی ندارد که بترسید. من از شما و فرزندان شما مواظبت خواهم کرد.» پس یوسف حرفهای دلگرم کننده به آنها گفت و دوباره آنها را مطمئن ساخت.

Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

Röm 14,7-13

7 هیچ‌یک از ما فقط برای خود زندگی نمی‌کند و یا فقط برای خود نمی‌میرد، اگر زیست می‌کنیم، برای خداوند زندگی می‌نماییم

8 و اگر بمیریم، برای خداوند می‌میریم. پس خواه زنده و خواه مرده، متعلق به خداوند هستیم.

9 زیرا به همین سبب مسیح مُرد و دوباره زنده شد تا خداوند مردگان و زندگان باشد.

10 پس تو چرا درباره برادر یا خواهر خود قضاوت می‌کنی؟ یا چرا برادر یا خواهرت را تحقیر می‌نمایی؟ همه ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد.

11 زیرا کلام خدا می‌فرماید:
«خداوند می‌گوید، به حیات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو درآمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود.»

12 پس هر یک از ما باید حساب خود را به خدا پس بدهیم.

13 بنابراین از قضاوت کردن درباره یکدیگر خودداری کنیم و در عوض تصمیم بگیرد که وسیله لغزش یا رنجش در راه ایمانداران نشوید.

Evangelium

Lukas 6,36-42

36 پس همان‌طور که پدر شما رحیم است رحیم باشید.

37 «دربار دیگران قضاوت نکنید تا خود مورد قضاوت قرار نگیرید. محکوم نکنید تا محکوم نشوید. دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید.

38 بدهید که به شما داده خواهد شد، پیمانۀ درست و فشرده و تکان داده شده و لبریز در دامن شما ریخته خواهد شد، زیرا با هر پیمانۀ‌ای که به دیگران بدهید با همان پیمانۀ، عوض خواهید گرفت.»

39 همچنین مثلی برای ایشان آورد: «آیا یک کور می‌تواند عصاکش کور دیگری باشد؟ مگر هر دو در گودال نخواهند افتاد؟

40 شاگرد بالاتر از استاد خود نیست اما وقتی تحصیلات خود را به پایان برساند به پایه استادش خواهد رسید.

41 «چرا به پرکاهی که در چشم برادرت هست نگاه می‌کنی و هیچ در فکر تیری که در چشم خود داری نیستی؟

42 چطور می‌توانی به برادرت بگویی 'ای برادر، اجازه بده آن پرکاه را از چشمت بیرون بیاورم'، در صورتی که تیر داخل چشم خود را نمی‌بینی؟ ای رباکار، اول تیر را از چشم خود بیرون بیاور آن وقت درست خواهی دید که پرکاه را از چشم برادرت بیرون بیاوری.